

ناترازی بانکها بر تأمین مالی نگاههای اقتصادی



چکیده

ناترازی‌های نظام بانکی ایران، به‌ویژه در سال‌های اخیر، به یکی از مسائلی کلیدی در فرآیند تأمین مالی نگاههای اقتصادی تبدیل شده است. ناترازی بانکی به عدم تعادل در منابع و مصارف بانکها، نوسانات شدید در سپرده‌ها و برداشت‌های مشتریان، نرخ بهره دستوری و کمبود سرمایه در بانکها اشاره دارد که این عوامل منجر به محدودیت‌های جدی در توان تسهیلات‌دهی بانکها و افزایش هزینه‌های تأمین مالی برای نگاهها می‌گردد. هدف این مقاله تحلیل اثرات ناترازی‌های بانکی بر تأمین مالی نگاهها و شناسایی راهکارهای مؤثر برای رفع این چالش‌ها است. برای دستیابی به این هدف، از روش تحلیلی - توصیفی استفاده شده و ضمن بررسی وضعیت موجود در نظام بانکی ایران، تأثیر ناترازی‌ها بر عملکرد اقتصادی نگاهها تحلیل گردیده است. علاوه بر این، با استفاده از تحلیل سناریوهای مختلف، پیامدهای هر یک از راهکارهای پیشنهادی برای بهبود وضعیت تأمین مالی بررسی شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ناترازی بانکی علاوه بر افزایش هزینه‌های تأمین مالی، موجب کاهش قدرت وام‌دهی بانکها، محدودیت در دسترسی نگاهها به منابع مالی و تضعیف ظرفیت‌های اقتصادی کشور می‌شود. در این راستا، اصلاح ماده ۸ قانون بانکداری بدون ربا، فروش دارایی‌های نامولد بانکها، تقویت بازار سرمایه و واگذاری بانکهای شبه‌دولتی به بخش خصوصی از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند به کاهش ناترازی بانکی، بهبود نقدینگی بانکها و تسهیل فرآیند تأمین مالی نگاهها منجر شوند.

ابوالفضل نجارزاده^۱

۱. دکتری اقتصاد گرایش پول و بانکداری، دانشکده اقتصاد، دانشگاه مفید قم، تهران، ایران
* ایمیل نویسنده مسئول: a.najarzadeh@bmi.ir

کلیدواژه‌گان: ناترازی بانکی، تأمین مالی نگاهها، بانکداری دیجیتال، نرخ بهره دستوری، اصلاحات بانکی

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

شیوه استناددهی: نجارزاده، ابوالفضل. (۱۴۰۳). ناترازی بانکها بر تأمین مالی نگاههای اقتصادی. *اقتصاد و سیاستگذاری مالی*، ۱(۱)، ۱-۱۷.

Imbalance in Banks and its Impact on the Financing of Economic Enterprises

Abstract

Imbalances in Iran's banking system—especially in recent years—have become a critical issue in the process of financing economic enterprises. Banking imbalance refers to the disequilibrium between banks' resources and expenditures, extreme volatility in deposits and customer withdrawals, administratively fixed interest rates, and capital shortages in banks. These factors result in serious constraints on banks' lending capacity and lead to increased financing costs for businesses. The aim of this article is to analyze the effects of banking imbalances on business financing and to identify effective strategies for addressing these challenges. To achieve this objective, a descriptive-analytical method has been employed. The study examines the current condition of Iran's banking system and analyzes the impact of these imbalances on the economic performance of enterprises. Moreover, through scenario analysis, the outcomes of each proposed solution for improving the financing situation are assessed. The findings of this research indicate that banking imbalances not only increase the cost of financing but also reduce banks' lending power, limit enterprises' access to financial resources, and undermine the country's economic capacities. In this regard, reforming Article 8 of the Law on Interest-Free Banking, selling off non-productive bank assets, strengthening the capital market, and privatizing quasi-state banks are among the key strategies that could reduce banking imbalances, improve banks' liquidity, and facilitate the financing process for businesses.

Keywords: *Banking imbalance, business financing, digital banking, administratively set interest rates, banking reforms.*

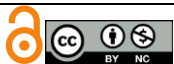


Abolfazl Najjarzadeh^{1*}

1. PhD in Economics, Money and Banking, Faculty of Economics, Mofid University of Qom, Tehran, Iran

*Corresponding Author Email: a.najjarzadeh@bmi.ir

How to cite: Najjarzadeh, A. (2024). Imbalance in Banks and its Impact on the Financing of Economic Enterprises. *Economics and Financial Policymaking*, 1(1), 1-17.



منظور از ناترازی، مجموعه‌ای از ناترازی‌های انباشت شده در ترازنامه بانک‌ها، تعادل بودجه‌ای و ناترازی بنگاه‌های اقتصادی است. یکی از عوامل کلیدی که به ناترازی حساب‌های بانکی کمک می‌کند، نوسان در سپرده‌ها و برداشت‌های مشتریان است (هاشمی و همکاران، ۲۰۱۸). بانک‌ها باید سطح مشخصی از ذخایر را حفظ کنند، اما تعیین سطح بهینه آن چالشی اساسی است. ناترازی در ذخایر می‌تواند به مزاد یا کمبود نقدینگی منجر شود و توانایی بانک در اعطای وام و تولید درآمد را تحت تأثیر قرار دهد (حلیم و ساپوترا^۱، ۲۰۲۲). تغییر به سمت بانکداری دیجیتال نیز ترازهای بانکی را تحت تأثیر قرار داده است. با رشد استفاده از بانکداری آنلاین و برنامه‌های موبایلی، روش‌های سنتی مدیریت حساب و تطابق نیازمند ارزیابی مجدد هستند تا دقت و به‌موقع بودن ترازهای حساب تضمین شود (هارونا و همکاران^۲، ۲۰۲۲). عدم توازن حساب‌های بانکی که توجه قابل توجهی را در بخش مالی به خود جلب کرده، مسئله‌ای پیچیده و ناشی از عواملی مانند نوسانات سپرده و برداشت مشتریان، مدیریت ذخایر بانکی و تغییر به سمت بانکداری دیجیتال است (رخیموف^۳، ۲۰۲۰). نوسانات سپرده‌ها و برداشت‌های مشتریان می‌تواند موجب ناپایداری مالی بانک‌ها شود و مشکلاتی چون کاهش نیروی انسانی و ناتوانی در انجام تعهدات را به همراه داشته باشد. این نوسانات تحت تأثیر عوامل اقتصادی، تغییر رفتار مشتریان و سیاست‌های نظارتی است. مدیریت ذخایر برای بانک‌ها حیاتی است، زیرا آن‌ها باید سطح مشخصی از ذخایر را برای تضمین نقدینگی و ثبات خود حفظ کنند. تعیین سطح بهینه این ذخایر چالش برانگیز است و عدم تعادل در آن می‌تواند به کمبود یا مزاد نقدینگی منجر شود که در نتیجه، بر توانایی بانک در وام‌دهی و کسب درآمد تأثیر می‌گذارد (شورای فدرال رزرو^۴، ۲۰۱۳). تحول به بانکداری دیجیتال بر توازن حساب‌های بانکی اثر گذاشته و بازنگری در مدیریت و تطبیق حساب‌های سنتی را برای حفظ دقت و سرعت ضروری کرده است. استراتژی‌های مقابله با این عدم تعادل شامل تقویت ارتباط با مشتریان، بهینه‌سازی مدیریت ذخایر و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های بانکداری دیجیتال است (حلیم و ساپوترا، ۲۰۲۲).

عدم تعادل‌های جهانی، مشخص شده با کسری و مزادهای پایدار حساب‌جاری، مسئله‌ای مهم در اقتصاد و مالی است و به‌عنوان عاملی بالقوه در بحران مالی اخیر شناخته شده است. عدم تعادل‌های جهانی با تأثیرگذاری بر ثبات مالی و اقتصادی، عمدتاً به دلیل تمایل سرمایه‌گذاران خارجی به نگهداری دارایی‌های دلاری و همچنین انباشت ذخایر ارزی توسط چین و اقتصادهای نوظهور به وجود آمده است که به ایالات متحده امکان تأمین مالی کسری خود را با نرخ بهره پایین می‌دهد (مییر^۵، ۲۰۱۲).

این مقاله باهدف تبیین تاثیر ناترازی شبکه بانکی بر تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی و ارائه راهکار برای رفع آن به رشته تحریر درآمده است؛ بنابراین، ما به دنبال یافتن این پاسخ هستیم که اثرات ناترازی بانک‌ها بر بنگاه‌های اقتصادی چیست و چه راهکارهایی برای رفع ناترازی و بهبود تأمین مالی پروژه‌ها وجود دارد؟

در ادامه و در بخش بعدی، ناترازی بانکی و مفهوم آن مورد بررسی قرار گرفته است. سپس، عوامل ایجاد ناترازی در نظام بانکی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. آنگاه از آن اثرات ناترازی نظام بانکی بر تأمین مالی بنگاه‌ها در کشور بررسی شده است. پس از آن برخی از راهکارهای برون‌رفت از شرایط ناترازی مورد تشریح قرار گرفته است. در پایان، نتیجه‌گیری و راهبرد سیاستی ارائه خواهد شد.

¹ Halim & Saputra

² Haruna et al.

³ Rakhimov

⁴ FRB: Finance and Economics Discussion Series

⁵ Mayer

مفهوم ناترازی بانکی

بانکداری به عنوان ستون اصلی نظام مالی جهانی، نقش مهمی در رشد اقتصادی و مدیریت ریسک دارد. با این حال، اخیراً دچار عدم تعادلی شده که برخی کشورها را با چالش و برخی دیگر را با رونق مواجه کرده است (دمیرگوچ - کنت و همکاران^۱، ۲۰۱۸). سودآوری بانکها به عواملی مانند کفایت سرمایه، کیفیت دارایی، کارایی مدیریت و نقدینگی وابسته است. عواملی که برای حفظ ثبات و پایداری بانکها، به ویژه در دوران رکود یا تغییرات نظارتی، اهمیت زیادی دارند (آنگوری و همکاران^۲، ۲۰۱۹). فزون بر این، عوامل خارجی نظیر شرایط کلان اقتصادی، رقابت، سیاست‌های دولتی و پیشرفت‌های فناوری نیز تأثیر چشمگیری بر عملکرد بانکها داشته و می‌توانند به عدم تعادل در بخش بانکی منجر شوند (راکی و همکاران^۳، ۲۰۲۰).

صنعت بانکداری ایران در سال‌های اخیر به دلیل ناترازی ناشی از ناکارآمدی‌های ساختاری و کمبود نظارت مؤثر، با کاهش اعتبار و افزایش ریسک‌های مالی مواجه شده است (عبادی و پورزرشکی، ۱۴۰۰). این چالش‌ها در کنار فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها و تغییرات سیاست‌های مالی، کیفیت وام‌دهی و ظرفیت سرمایه‌گذاری بانکها را تحت تأثیر قرار داده است (بانک مرکزی، ۱۴۰۱). همچنین، مشکلاتی مانند عدم شفافیت و فساد، مانعی جدی در جذب سرمایه و بهبود توان مالی بانکها ایجاد کرده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۰). کاهش اعتبار بانکها می‌تواند بی‌ثباتی اقتصادی و افزایش تورم را در پی داشته باشد که به نوبه خود بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی کشور اثر منفی می‌گذارد (سازمان برنامه‌بودجه، ۱۴۰۱). اصلاحات ساختاری در سیستم بانکی و تقویت نظارت مالی می‌تواند به افزایش پایداری و بهبود عملکرد بانکها و در نتیجه، رشد اقتصادی پایدار کشور کمک کند (عبادی و پورزرشکی، ۱۴۰۰).

عوامل و پیامدهای ناترازی بانکها

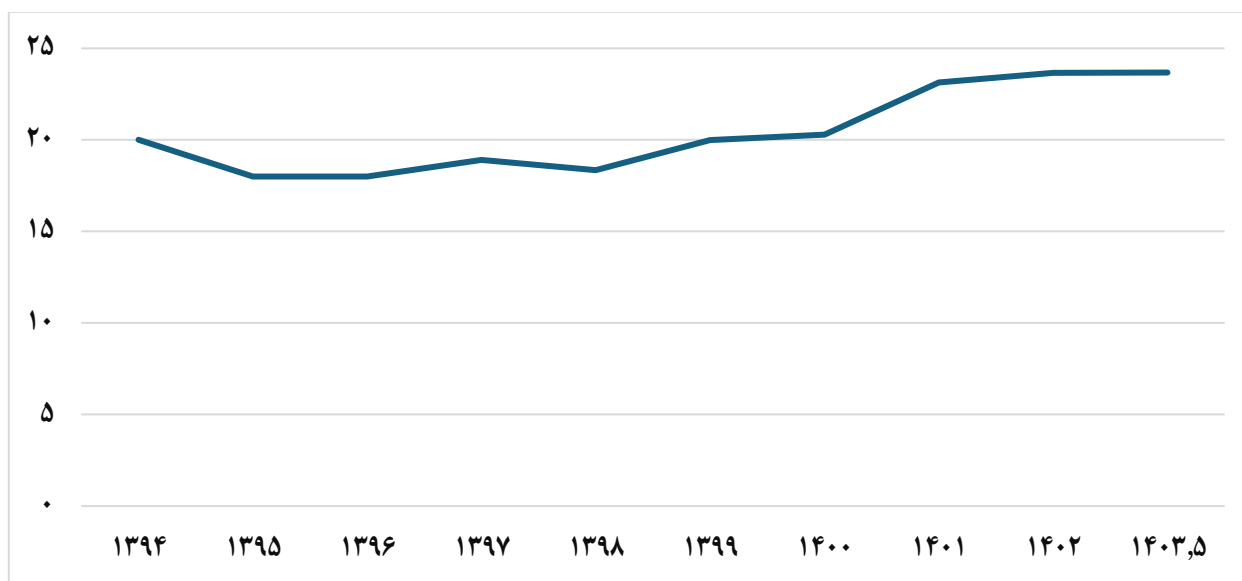
بانکها نقش حیاتی در سیستم مالی ایفا کرده و به عنوان واسطه‌ای میان افرادی که دارای مازاد سرمایه هستند و کسانی که به تأمین مالی نیاز دارند، عمل می‌کنند. با این وجود، عوامل مختلفی می‌توانند منجر به ناترازی در این مؤسسات شوند که این ناترازی‌ها می‌توانند آسیب‌پذیری‌ها و خطرات بالقوه‌ای را به همراه داشته باشند (آدرین و همکاران^۴، ۲۰۲۴). از جمله عوامل ناترازی در اقتصاد ایران می‌توان به تعیین نرخ بهره به شیوه دستوری، نسبت کفایت به سرمایه نامطلوب و کاهش نقدینگی بانکها به واسطه افزایش دارایی‌های نامولد که منجر به افزایش اضافه برداشت بانکها از بانک مرکزی می‌شود؛ اشاره کرد. در ادامه هر کدام از عوامل فوق مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از عوامل مؤثر بر ناترازی نظام بانکی تعیین نرخ بهره به شیوه دستوری و بدون توجه به تورم است. نمودار (۱)، نرخ بهره در ۱۰ سال گذشته نمایش می‌دهد.

¹ Demirgüç-Kunt et al.

² Angori et al.

³ Roky et al.

⁴ Adrian et al.

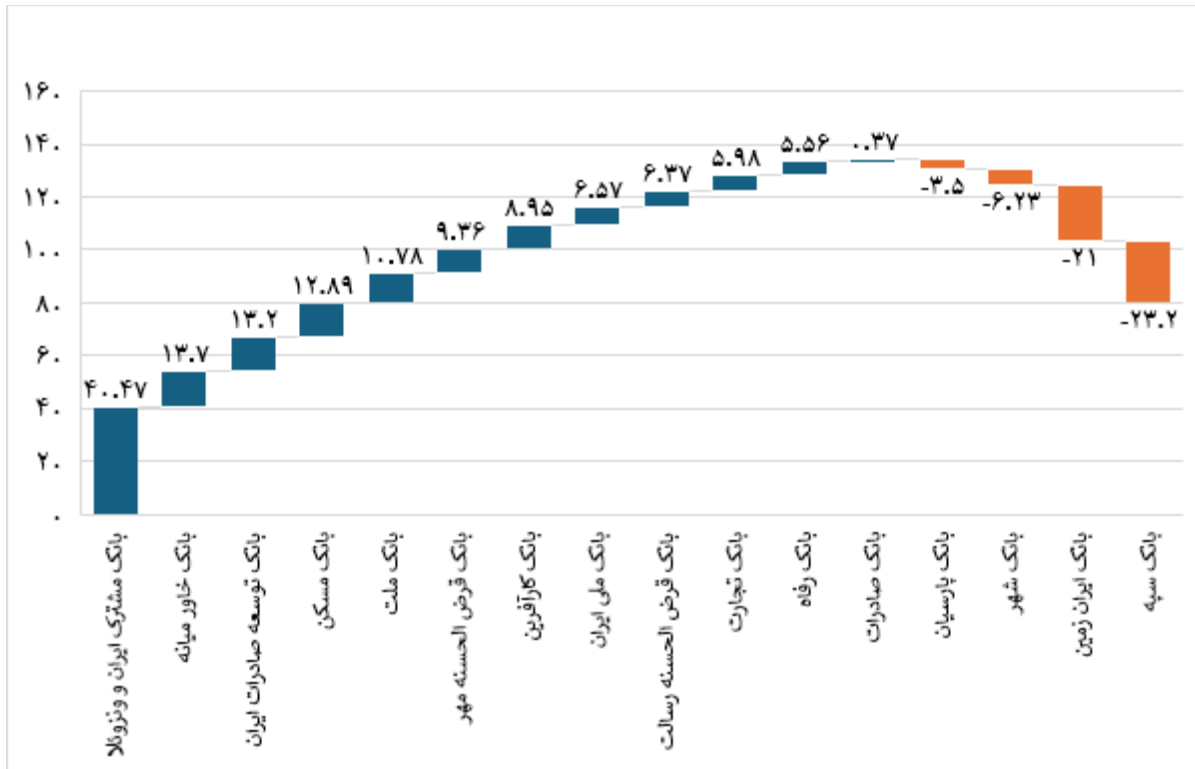


شکل ۱. نرخ بهره شبکه بانکی در ۱۰ سال گذشته

منبع: گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس

باتوجه‌به نمودار (۱)، نرخ بهره در ایران طی دهه اخیر به طور متوسط ۲۰ درصد بوده است. تعیین دستوری نرخ بهره در کنار تورم بالا در اقتصاد ایران، اعطای تسهیلات به بخش خصوصی را با مشکلات زیادی همراه کرده است. به گونه‌ای که باتوجه به نرخ تعیین شده، اعطای تسهیلات با نرخ پایین‌تر از نرخ تورم، برای بانک‌ها فاقد صرفه اقتصادی است. این درحالی است که تسهیلات تکلیفی که توسط دولت به شبکه بانکی تحمیل می‌شود، فشار زیادی برای پرداخت تسهیلات به شبکه بانکی وارد کرده است. این درحالی است که به دلیل کاهش نقدینگی بانک‌ها به واسطه افزایش دارایی‌های نامولد مانند زمین و ساختمان این بانک‌ها توان پرداخت بخش اعظم این تسهیلات تکلیفی را نداشته و از بانک مرکزی استقراض می‌کنند. این امر به نوبه خود منجر به افزایش پایه پولی و درنهایت تورم می‌گردد.

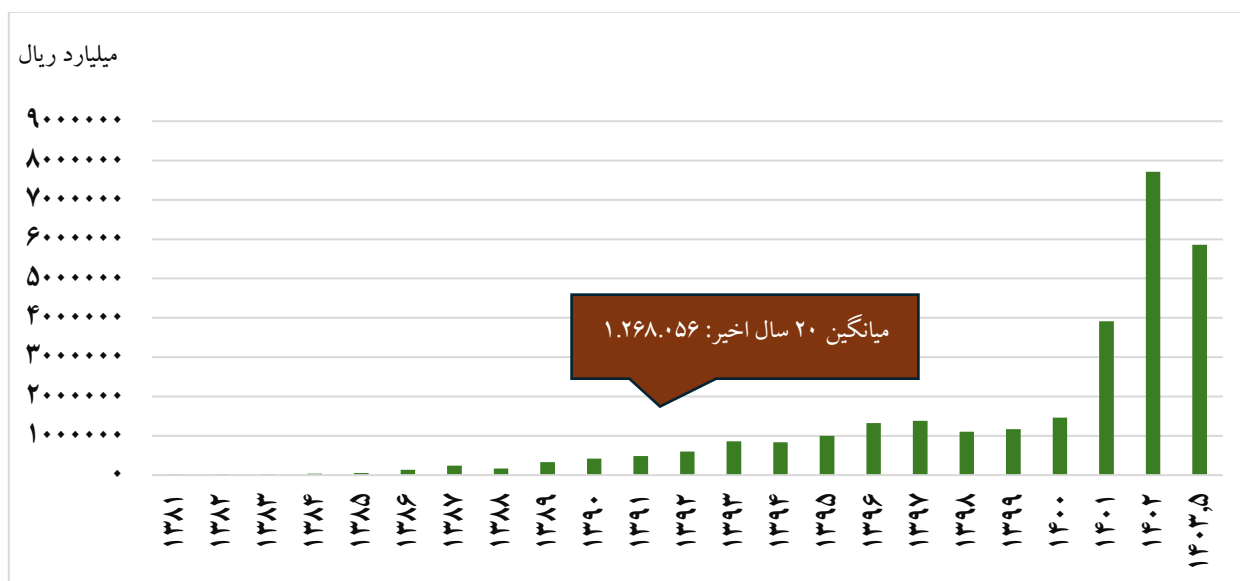
نمودار (۲)، شاخص کفایت سرمایه برخی از بانک‌های ایران را نمایش می‌دهد. این شاخص بیان می‌کند که بانک‌ها باید سرمایه کافی برای پوشش دادن ریسک ناشی از فعالیت‌های خود را داشته و مراقب باشند که آسیب‌های وارده به سپرده‌گذاران منتقل نشود.



شکل ۲. آخرین وضعیت اعلام شده کفایت سرمایه برخی از بانک‌های ایران

منبع: گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس

بر اساس داده‌های موجود درباره کفایت سرمایه بانک‌های ایران، نتایج به‌دست‌آمده به‌وضوح نشان‌دهنده وضعیت مالی متفاوتی میان بانک‌ها است. بانک مشترک ایران و ونزوئلا با ۴۰.۴۷ درصد بالاترین سطح کفایت سرمایه را دارد. در رتبه‌های بعدی، بانک‌های خاورمیانه (۱۳.۷ درصد)، توسعه صادرات ایران (۱۳.۲ درصد) و مسکن (۱۲.۸۹ درصد) قرار دارند که همگی بالاتر از حداقل ۸ درصدی تعیین‌شده برای کفایت سرمایه هستند. این بانک‌ها نیز به‌طور نسبی در مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌های خود موفق عمل کرده‌اند و می‌توانند به‌خوبی به چالش‌های مالی پاسخ دهند. با این حال، برخی بانک‌ها به‌طور جدی با مشکل کفایت سرمایه مواجه هستند. بانک‌هایی مانند بانک ملی ایران (۶.۵۷ درصد) و بانک تجارت (۵.۹۸ درصد) به‌زحمت به حداقل‌های تعیین‌شده نزدیک شده‌اند که نشان‌دهنده ناپایداری در ساختار مالی آن‌ها و افزایش ریسک‌های مربوط به تأمین مالی است. نگرانی‌های بیشتری در این زمینه به بانک‌های صادرات (۰.۳۷ درصد)، پارسیان (-۳.۵ درصد)، شهر (-۶.۲۳ درصد) و ایران‌زمین (-۲۱ درصد) مربوط می‌شود که همگی در وضعیت منفی قرار دارند. این کاهش‌های قابل‌توجه در کفایت سرمایه می‌تواند به‌طور جدی به اعتبار این بانک‌ها آسیب برساند و آن‌ها را در معرض ریسک‌های نقدینگی و ناترازی‌های مالی قرار دهد.



شکل ۳. میزان بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی

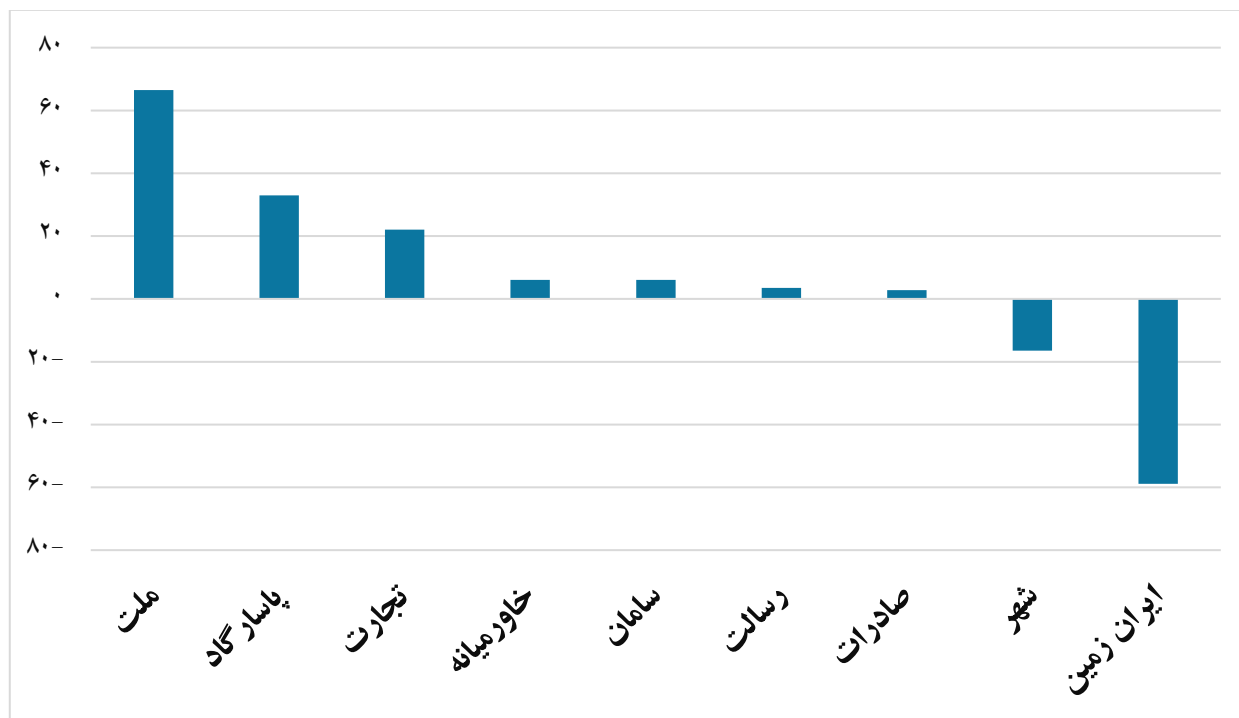
منبع: بانک مرکزی

باتوجه به نمودار (۲)، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی از محل استقراض طی سالیان گذشته به شدت افزایش یافته است. افزایش تسهیلات تکلیفی، نرخ بهره دستوری از جمله عوامل موثر بر اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی است. همچنین، عدم کارایی بازار سرمایه در جذب سرمایه‌گذاری، شبکه بانکی را در تأمین مالی پروژه‌ها تحت فشار قرار داده است. به گونه‌ای که بالغ بر ۹۰ درصد تأمین مالی پروژه‌ها در سال ۱۴۰۲ توسط شبکه بانکی تأمین شده است.

باتوجه به نمودار (۲)، میانگین بدهی بانک‌ها طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۴۰۳، بالغ بر ۱.۲۶۸.۰۵۶ میلیارد ریال بوده است. طبق نمودار از سال ۱۴۰۱ این رقم بیشتر از مقدار میانگین ۲۰ ساله خود بوده که ناشی از عدم توانایی بانک‌ها در تأمین منابع خود است.

روند صعودی بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در دو دهه اخیر که به‌ویژه در سال‌های اخیر جهش‌های قابل توجهی را نشان داده است؛ بیانگر چالش‌های اساسی در نظام بانکی ایران است که به موضوعات ناترازی بانکی و تأمین مالی بنگاه‌ها مرتبط می‌شود. این افزایش بدهی، نشان‌دهنده مشکلات بانک‌ها در تأمین منابع از طریق سپرده‌ها و منابع داخلی است که در نتیجه آن‌ها به منابع بانک مرکزی متکی می‌شوند. این وابستگی می‌تواند ناشی از محدودیت‌های سرمایه‌ای بانک‌ها و ناکارآمدی در جمع‌آوری منابع پایدار باشد. از سوی دیگر، افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی به نرخ بهره و ناترازی نقدینگی ارتباط مستقیمی دارد. در شرایطی که بانک‌ها با کمبود نقدینگی مواجه‌اند، ناچار به دریافت اعتبار از بانک مرکزی می‌شوند که این امر، نه تنها فشار بر ذخایر بانک مرکزی را افزایش می‌دهد؛ بلکه خود عاملی برای رشد پایه پولی و تشدید تورم است. این وضعیت علاوه بر اینکه منجر به تأثیر منفی بر سلامت مالی بانک‌ها، از طریق کاهش توان تسهیلات‌دهی آن‌ها، می‌شود؛ بلکه تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی را با مشکل مواجه می‌سازد. تداوم این شرایط، به افزایش نرخ بهره برای کنترل نقدینگی و کاهش فشارهای تورمی منجر می‌شود. این امر، تأمین مالی بنگاه‌ها را به دلیل افزایش هزینه وام‌گیری دشوارتر می‌سازد و سرمایه‌گذاری‌های مولد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، افزایش نرخ بهره و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، هم‌زمان فشارهای مضاعفی بر تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی و تداوم ناترازی بانکی ایجاد می‌کند که می‌تواند در بلندمدت به تضعیف نظام بانکی و کاهش قدرت تأمین مالی بنگاه‌ها منجر شود.

یکی دیگر از مشخصه‌های ناترازی در نظام بانکی کشور زیان انباشته بانک‌ها است. نمودار (۴)، میزان زیان انباشته برخی بانک‌های کشور را نمایش می‌دهد.



شکل ۳. زیان و سود انباشته برخی از بانکها در خرداد ۱۴۰۳

منبع: گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس

نمودار فوق وضعیت زیان و سود انباشته بانکها در خرداد ۱۴۰۳ را نمایش می‌دهد. بانک ملت با سود انباشته‌ای معادل ۶۶.۵ میلیارد تومان در صدر قرار دارد و پس از آن، بانک پاسارگاد با ۳۳ میلیارد تومان در جایگاه دوم است که این امر نشان‌دهنده مدیریت کارآمد منابع و کسب سود مطلوب توسط این دو بانک در دوره مالی مذکور است. در مقابل، برخی از بانکها همچون بانک شهر و بانک ایران‌زمین با زیان انباشته به ترتیب ۱۶.۵ و ۵۸.۹ میلیارد تومان مواجه‌اند. زیان انباشته این بانکها بیانگر وجود چالش‌های جدی در ساختار مالی آنها است و می‌تواند ناشی از عواملی مانند ناکارآمدی در جذب منابع مالی، ضعف در مدیریت هزینه‌ها، یا تخصیص غیربهبینه منابع باشد. بانک‌هایی که با زیان انباشته مواجه‌اند، ممکن است در بلندمدت با مشکلاتی از قبیل کاهش اعتماد مشتریان، فشارهای نقدینگی و افزایش هزینه‌های تأمین مالی مواجه شوند. در مقابل، بانک‌هایی که دارای سود انباشته هستند، این امکان را دارند که از منابع مالی مازاد خود برای توسعه فعالیت‌ها و تقویت جایگاه رقابتی خود در بازار استفاده کنند.

اثرات ناترازی بانکها بر تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی

باتوجه به اینکه بالغ بر ۹۰ درصد تأمین مالی پروژه‌ها در کشور توسط بخش بانکی تأمین می‌شود، ناترازی در این بخش در کنار عدم کارایی بازار سرمایه در جذب منابع مالی، یکی از چالش‌های جدی برای تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی است.

۱. مهم‌ترین اثرات ناترازی بر بنگاه‌های اقتصادی

۱-۱. افزایش هزینه‌های تأمین مالی

یکی از اثرات ناترازی بانکها کاهش قدرت نقدینگی به واسطه افزایش دارایی‌های نامولد است که این امر قدرت آنها در وام‌دهی به بخش خصوصی را مختل کرده و رقابت بر سر دسترسی به منابع مالی ارزان را افزایش داده است. هزینه‌های بالای تأمین مالی بانکها می‌تواند به ایجاد

استانداردهای وام‌گیری سخت‌تر و کاهش دسترسی به اعتبار منجر شود که این امر کسب‌وکارها و افراد را در دستیابی به تأمین مالی برای سرمایه‌گذاری و رشد دشوار می‌سازد (فوجیه و همکاران^۱، ۲۰۲۰).

۱-۲. کاهش سطح فعالیت‌های اقتصادی

سودآوری بانک‌ها برای نهادهای تنظیم‌گر اهمیت فزاینده‌ای دارد، زیرا کاهش سودآوری می‌تواند منجر به کاهش وام‌دهی و تضعیف واسطه‌گری اعتباری در اقتصاد واقعی شود. تحقیقات قبلی نشان داده‌اند که سودآوری بانک‌ها به شرایط اقتصادی حساس است و کاهش آن‌ها منجر به وام‌دهی کمتر و تأثیرات واقعی اقتصادی می‌شود. این امر نشان می‌دهد که ارتباط بین سودآوری بانک و چرخه کسب‌وکار برای درک پویایی‌های اقتصادی حیاتی است (بو^۲، ۲۰۱۹).

علاوه بر موارد فوق، تأثیر ناترازی‌های بانکی بر عملکرد و رفتار ریسک‌پذیری بنگاه‌های اقتصادی موضوعی مهم در این زمینه است. وام‌های اعطا شده به طرف‌های مرتبط ممکن است نرخ نکول بالاتری و نرخ بازگشت کمتری نسبت به وام‌های غیرمرتبط داشته باشند که این امر ضرورت درک و کاهش عوامل مؤثر بر فساد در اعطای وام را نشان می‌دهد. درحالی‌که سیاست‌گذاران در تلاش‌اند تا محیط‌های نهادی مؤثری برای بانکداری ایجاد کنند، وجود فساد همچنان مانع بزرگی است که می‌تواند تلاش‌های گسترده‌تری را برای تخصیص مؤثر سرمایه تضعیف کند (اقدامات ملی برای کمک به خدمات حرفه‌ای در راستای حفظ یکپارچگی نظام مالی^۳، ۲۰۲۴). ادبیات موجود همچنین نشان می‌دهد که درجه توسعه اقتصادی و محیط تنظیم‌گری نقش محوری در شکل‌دهی به رابطه بین ناترازی‌های بانکی و بنگاه‌های اقتصادی ایفا می‌کنند. در اقتصادهای پیشرفته‌تر که دارای چارچوب‌های قانونی و نهادی قوی‌تری هستند، تأثیر منفی فساد ممکن است کمتر مشهود باشد، زیرا نهادها بهتر قادر به نظارت و اجرای مقررات مالی هستند (کوری و اشنایدر^۴، ۲۰۱۸).

علاوه بر جنبه‌های مذکور، نقش مدیریت نقدینگی بانک‌ها در زمینه ثبات مالی حوزه‌ای است که نیاز به بررسی بیشتری دارد. تصمیمات استراتژیک نقدینگی بانک‌ها می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر اقتصاد کلان داشته باشد و درک عوامل محرک این تصمیمات برای سیاست‌گذاران و نهادهای تنظیم‌گر حیاتی است (اصول مدیریت و نظارت بر ریسک نقدینگی^۵، ۲۰۱۸). جنبه مهم دیگری که باید در نظر گرفته شود، نقش شرایط کلان اقتصادی در شکل‌دهی به سلامت واسطه‌های مالی است. سلامت سیستم بانکی یک کشور تأثیر مثبتی بر توسعه اقتصادی دارد و سیاست‌گذاران همواره به دنبال ایجاد محیط‌های نهادی هستند که بانکداری مؤثر را ترویج دهند. مطالعات تجربی نشان داده‌اند که عواملی مانند چرخه تجاری، تورم و نرخ‌های ارز می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر کفایت سرمایه و سودآوری بانک‌ها داشته باشند که بر لزوم رویکرد جامع به ثبات مالی تأکید می‌کند (ژو و همکاران^۶، ۲۰۱۹).

راهکارهای پیشنهادی برای رفع ناترازی بانک‌ها

باتوجه به مشکلات نظام بانکی ایران طی دهه گذشته و افزایش ناترازی در آن و باتوجه به اهمیت این بخش و سهم قابل توجه این بخش در تأمین مالی پروژه‌های کشور، بایستی راهکارهایی در جهت رفع این مشکل اندیشیده شده تا ناترازی این بخش را کاهش و بهبود یابد. در ذیل راهکارهایی در جهت بهبود وضعیت موجود پیشنهاد می‌شود:

۱. اصلاح ماده ۸ قانون بانکداری بدون ربا

¹ Fouejieu et al.

² Bu

³ National Actions to Help Professional Services Ensure Financial System Integrity

⁴ Cooray & Schneide

⁵ Principles for Sound Liquidity Risk Management and Supervision

⁶ Xu et al.

یکی از راهکارهای برون‌رفت از شرایط فعلی اصلاح ماده ۸ قانون بانکداری بدون ربا است. به موجب این قانون بانک‌ها عملاً به شرکت‌های سرمایه‌گذاری تبدیل گشته و به طور مستقیم در طرح‌های تولید و عمرانی به سرمایه‌گذاری می‌پردازند. این در حالی است که نظام بانکداری مرسوم در جهان، واسطه میان سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان است و درآمدهای آن‌ها به واسطه اعطای تسهیلات به مشتریان کسب می‌گردد؛ بنابراین، اصلاح این قانون می‌تواند مقدمه‌ای بر اصلاحات بعدی باشد.

۲. فروش دارایی‌های نامولد و راکد

راه‌حل بعدی فروش دارایی‌های نامولد و راکد است. افزایش در دارایی‌هایی نامولد مانند زمین و ساختمان، قدرت نقدینگی بانک‌ها را کاهش داده و آن‌ها را با ناترازی روبه‌رو کرده است. پیشنهاد می‌شود این دارایی‌ها در بورس عرضه شده و از این طریق منابع مالی بانک‌ها افزایش یابد.

۳. تقویت بازار سرمایه

راه‌حل بعدی تقویت بازار سرمایه است. بازار سرمایه در جهان به‌عنوان بازار پیشران عمل کرده و سایر بازارها از آن تبعیت می‌کنند. این در حالی است که در ایران به واسطه ناکارآمدی بازار سرمایه و ناتوانی در جذب سرمایه برای بنگاه‌ها اقتصادی، این بازار عملاً از سایر بازارها تبعیت کرده و کارکرد ضعیفی در جذب منابع برای بنگاه‌های اقتصاد دارد. با تقویت این بازار می‌توان شاهد افزایش تأمین مالی از این بازار بود و از فشار به شبکه بانکی برای تأمین مالی پروژه‌ها در کشور کاست.

۵. واگذاری بانک‌های شبه‌دولتی به بخش خصوصی

راه‌حل بعدی واگذاری بانک‌های شبه‌دولتی به بخش خصوصی است. ناترازی دولت منجر به دست‌درازی آن به منابع بانک‌ها می‌گردد؛ بنابراین، واگذاری آن‌ها به بخش خصوصی دست دولت برای استقراض از شبکه بانکی را کوتاه می‌کند.

۵. استفاده از تجربیات جهانی برای رفع ناترازی

در پایان با توجه به تجربیات جهانی و رفع ناترازی سیستم بانکی در کشورهای مختلف می‌توان نقشه راهی برای اصلاح نظام بانکی و رفع ناترازی‌های آن تدوین کرد.

۶. تحلیل سناریوهای مختلف برای راهکارهای پیشنهادی رفع ناترازی بانک‌ها

در تحلیل راهکارهای پیشنهادی برای رفع ناترازی بانک‌ها، سه سناریوی مختلف شامل اصلاح قوانین بانکی، فروش دارایی‌های نامولد و تقویت بازار سرمایه مورد بررسی قرار گرفته است. هر یک از این سناریوها پیامدهای متفاوتی برای نظام بانکی و تأمین مالی بنگاه‌ها به همراه دارد. در سناریوی خوش‌بینانه، اجرای اصلاحات قانونی می‌تواند نقش بانک‌ها را به‌عنوان واسطه‌گران مالی تقویت کرده و منابع مالی را به طور بهینه تخصیص دهد. در مقابل، سناریوی بدبینانه به چالش‌های فروش دارایی‌های نامولد اشاره دارد که در صورت مدیریت نادرست، ممکن است به افزایش ناترازی و فشارهای مالی منجر شود. در نهایت، سناریوی محتاطانه بر نقش بازار سرمایه در تأمین مالی پایدار تأکید دارد، اما تحقق آن نیازمند اصلاحات تدریجی و زمان‌بر است. این بررسی به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی، مسیر بهینه‌ای برای رفع چالش‌های نظام بانکی اتخاذ کنند.

۶-۱. سناریوی خوش‌بینانه (اصلاح ماده ۸ قانون بانکداری بدون ربا):

در این سناریو، اصلاح ماده ۸ قانون بانکداری بدون ربا به طور مؤثر و مطابق با اهداف اولیه آن اجرا می‌شود. این اصلاحات بانک‌ها را به نقش واقعی خود به‌عنوان واسطه‌گر مالی میان سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان باز می‌گرداند. به طور خاص، بانک‌ها از سرمایه‌گذاری مستقیم در پروژه‌های تولیدی که آن‌ها را از مسیر فعالیت اصلی خود منحرف کرده بود، خارج می‌شوند و به جای آن، منابع مالی خود را به طور کارآمدتری تخصیص می‌دهند. در این سناریو، بانک‌ها با کاهش ریسک‌های سیستماتیک مواجه خواهند بود، چرا که منابع مالی بیشتری در دسترس خواهند داشت و به‌ویژه با تخصیص بهینه منابع به بخش‌های اقتصادی، کفایت سرمایه بانک‌ها بهبود خواهد یافت. این بهبود در منابع بانک‌ها

به آن‌ها اجازه می‌دهد که میزان تسهیلات اعطایی را افزایش دهند، به‌ویژه به بنگاه‌های اقتصادی که نیاز به سرمایه در گردش و تأمین مالی برای گسترش فعالیت‌های خود دارند.

۱-۶. پیامدهای سناریوی خوش‌بینانه:

- **کاهش هزینه‌های تأمین مالی:** به دلیل بهبود توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها، نرخ بهره تسهیلات کاهش می‌یابد و این امر منجر به کاهش هزینه‌های تأمین مالی برای بنگاه‌ها می‌شود.
 - **افزایش قدرت رقابتی بنگاه‌ها:** دسترسی بهتر به تسهیلات بانکی باعث می‌شود که بنگاه‌های اقتصادی بتوانند سرمایه‌گذاری‌های جدیدی انجام دهند و در نتیجه، رشد اقتصادی پایدار حاصل می‌شود.
 - **تسهیل فرآیندهای اقتصادی:** این اصلاحات به بانک‌ها این امکان را می‌دهد که منابع مالی را با ملاحظه‌های اقتصادی دقیق‌تری تخصیص دهند و به طور هدفمند در مسیر بهبود عملکرد اقتصادی کشور گام بردارند.
- این سناریو در صورتی به وقوع می‌پیوندد که بانک‌ها از ظرفیت‌های خود به طور مؤثر استفاده کنند و از خطرات قانونی یا اقتصادی پیش‌بینی نشده جلوگیری نمایند. افزایش نقدینگی بانک‌ها و کاهش ناترازی‌های آن‌ها در این سناریو بسیار مهم است و نیازمند نظارت دقیق و مؤثر بر پیاده‌سازی اصلاحات است.

۲-۶. سناریوی بدبینانه (فروش دارایی‌های نامولد و راکد):

در این سناریو، فرض بر این است که فروش دارایی‌های نامولد و راکد بانک‌ها، نظیر زمین‌ها و ساختمان‌های غیرمولد، به طور مؤثر و با مدیریت صحیح منابع انجام نمی‌شود. اگر بانک‌ها این دارایی‌ها را به طور ناصحیح و به قیمت‌های پایین‌تر از ارزش واقعی خود بفروشند، ممکن است منابع مالی حاصل از این فروش‌ها به‌جای استفاده در بهبود نقدینگی بانک‌ها، به هزینه‌های غیراقتصادی یا سرمایه‌گذاری‌های غیرمولد اختصاص یابد. این مشکل ممکن است منجر به افزایش ناترازی بانک‌ها شود چرا که پول حاصل از فروش دارایی‌ها به طور مستقیم به افزایش ظرفیت تسهیلات‌دهی اختصاص نخواهد یافت. در این صورت، بانک‌ها همچنان به تأمین منابع مالی خود از بانک مرکزی و دیگر نهادهای دولتی وابسته خواهند بود که این امر می‌تواند فشارهای تورمی و مالی را افزایش دهد.

۱-۲-۶. پیامدهای سناریوی بدبینانه:

- **افزایش بدهی‌ها و فشار مالی:** در صورتی که منابع حاصل از فروش دارایی‌ها به‌درستی استفاده نشود، بانک‌ها مجبور به استقراض بیشتر از بانک مرکزی خواهند شد. این استقراض به افزایش پایه پولی و تورم منجر می‌شود و در نتیجه، بانک‌ها قادر به ارائه تسهیلات بیشتر به بنگاه‌ها نخواهند بود.
- **کاهش کیفیت دارایی‌ها:** عدم توجه به بهینه‌سازی منابع مالی حاصل از فروش دارایی‌ها می‌تواند کیفیت دارایی‌ها و کفایت سرمایه بانک‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.
- **افزایش فشار به بانک‌ها و اقتصاد:** فشار به بانک‌ها برای تأمین مالی پروژه‌ها و بنگاه‌ها افزایش خواهد یافت، چرا که منابع جدید به طور مؤثر و در جهت بهبود سیستم بانکی استفاده نمی‌شود.

این سناریو در صورتی ممکن است به وقوع بپیوندد که در روند فروش دارایی‌ها، بانک‌ها و مسئولین اقتصادی از نظارت و تصمیم‌گیری‌های صحیح مالی بهره‌برداری نکنند و این امر باعث کاهش اعتبار و کارایی سیستم بانکی شود.

۳-۶. سناریوی محتاطانه (تقویت بازار سرمایه):

در این سناریو، فرض بر این است که بازار سرمایه به طور تدریجی تقویت شده و اصلاحات لازم در این بخش به‌صورت مرحله‌ای اجرا می‌شود. این اصلاحات به‌خصوص شامل افزایش شفافیت بازار، ارتقای استانداردهای نظارتی و تسهیل دسترسی به منابع مالی از طریق بورس و اوراق قرضه است. در کوتاه‌مدت، این اصلاحات ممکن است تأثیرات فوری نداشته باشند، چرا که بازار سرمایه به زمان نیاز دارد تا ساختارهای خود را بهبود

بخشد و جذب منابع مالی جدید را تسهیل کند. باین حال، در بلندمدت، این سناریو می‌تواند به ایجاد منابع مالی پایدارتر و تنوع در تأمین مالی بنگاه‌ها منجر شود که موجب کاهش وابستگی بانک‌ها به منابع دولتی و بانک مرکزی خواهد شد.

۱-۳-۶. پیامدهای سناریوی محتاطانه:

- **کاهش فشار بر بانک‌ها:** با تقویت بازار سرمایه، بانک‌ها دیگر به میزان زیادی به استقراض از بانک مرکزی یا استفاده از منابع محدود داخلی وابسته نخواهند بود. این امر به افزایش کارایی سیستم بانکی و کاهش فشار به آن منجر خواهد شد.
- **افزایش تنوع در منابع تأمین مالی:** با تقویت بازار سرمایه، بنگاه‌ها قادر خواهند بود به راحتی از ابزارهای مالی متنوع نظیر اوراق قرضه، سهام و دیگر ابزارها استفاده کنند و به این ترتیب دسترسی آن‌ها به تأمین مالی ارزان تر و پایدارتر فراهم خواهد شد.
- **ریسک‌های کوتاه مدت:** در این سناریو، روند تقویت بازار سرمایه به طور تدریجی باعث کاهش فشارهای کوتاه مدت بانک‌ها می‌شود، اما همچنان در بلندمدت باید برای تقویت زیرساخت‌های مالی و بازار سرمایه تلاش‌های بیشتری صورت گیرد تا بهره‌برداری از این منابع بهینه‌تر باشد.

در نهایت، این سناریو به دلیل تأثیرات بلندمدت، بیشتر بر پایداری سیستم بانکی و کاهش وابستگی به منابع تک منبع تأکید دارد. اما باید در نظر گرفت که اصلاحات لازم در بازار سرمایه به زمان و مدیریت دقیق نیاز دارد.

۴-۶. نتیجه‌گیری تحلیل سناریو:

این تحلیل به طور جامع تأثیرات اجرای سه راهکار مختلف را برای رفع ناترازی بانک‌ها بررسی کرده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در شرایط مختلف اقتصادی، هر راهکار می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر ناترازی بانک‌ها و تأمین مالی بنگاه‌ها داشته باشد:

- سناریوی خوش بینانه به مزایای اجرای اصلاحات قانونی و بهبود کارایی سیستم بانکی اشاره دارد که می‌تواند موجب کاهش هزینه‌های تأمین مالی، افزایش تسهیلات‌دهی و رشد پایدار اقتصادی شود.
 - سناریوی بدبینانه هشدار می‌دهد که در صورت اجرای ناکافی اصلاحات، مشکلات ناترازی بانک‌ها ممکن است تشدید شده و تأمین مالی بنگاه‌ها همچنان با مشکلات عمده‌ای روبرو شود.
 - سناریوی محتاطانه بر تقویت تدریجی بازار سرمایه تأکید دارد که می‌تواند در بلندمدت موجب تنوع منابع تأمین مالی و کاهش فشار بر سیستم بانکی شود.
- این تحلیل به مدیران بانک‌ها و سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا با توجه به شرایط موجود، در انتخاب راهکارهای مناسب برای رفع ناترازی سیستم بانکی تصمیمات هوشمندانه‌تری اتخاذ کنند.

نتیجه‌گیری

ناترازی بانکی در ایران ناشی از نوسان سپرده‌ها و حرکت به سوی بانکداری دیجیتال، موجب کمبود یا مازاد نقدینگی و اختلال در وام‌دهی شده است. برای حفظ ثبات مالی، نیاز به بازنگری در مدیریت ذخایر و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دیجیتال وجود دارد. عوامل داخلی و خارجی مانند کفایت سرمایه و شرایط اقتصادی می‌توانند به عدم تعادل در این بخش منجر شوند. همچنین، نرخ بهره دستوری و تورم بالا باعث غیرسودآوری تسهیلات بانک‌ها شده و فشار اقتصادی و فساد، اعتبار آن‌ها را کاهش داده و ریسک‌های مالی را افزایش می‌دهد. اتکال بیش از اندازه به بانک مرکزی که از افزایش بدهی آن‌ها منجر شده است؛ این مؤسسات با چالش‌هایی مواجه‌اند که می‌تواند تأمین مالی پروژه‌ها و رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. در خرداد ۱۴۰۳، در حالی که بانک ملت و بانک پاسارگاد دارای سود انباشته هستند، سایر بانک‌ها با زیان انباشته مواجه‌اند که نشان‌دهنده مشکلات جدی در ساختار مالی آن‌هاست.

ناترازی در نظام بانکی ایران، به‌ویژه با تأمین‌مالی بیش از ۹۰ درصد پروژه‌ها از طریق بانکها، چالش‌های جدی برای بنگاه‌های اقتصادی ایجاد کرده است. این ناترازی باعث افزایش هزینه‌های تأمین‌مالی و کاهش قدرت نقدینگی بانکها می‌شود که به سخت‌تر شدن شرایط وام‌گیری و کاهش دسترسی به اعتبار منجر می‌گردد. همچنین، کاهش سودآوری بانکها می‌تواند وام‌دهی را محدود کرده و سطح فعالیت‌های اقتصادی را کاهش دهد. در نتیجه، فساد و ناکارآمدی در تخصیص منابع می‌تواند عملکرد بنگاه‌ها را تحت‌تأثیر قرار دهد و نیاز به بررسی‌های بیشتر در مدیریت نقدینگی و شرایط کلان اقتصادی را نمایان کند.

باتوجه به چالش‌های موجود در نظام بانکی ایران، تحلیل سناریوهای مختلف آینده می‌تواند به شفاف‌سازی روندهای احتمالی کمک کند. در سناریوی بهبود، در صورتی که بانکها به طور مؤثر به دیجیتالی‌شدن و اصلاحات داخلی پرداخته و مدیریت بهتری بر منابع خود داشته باشند، ناترازی کاهش یافته و دسترسی به اعتبار و تسهیلات با نرخ‌های بهره مناسب‌تر فراهم خواهد شد. این امر می‌تواند به رشد اقتصادی و بهبود شرایط وام‌دهی منجر گردد. در سناریوی دیگر، در صورت تداوم بحران اقتصادی به دلیل مشکلات داخلی مانند نرخ بهره دستوری و تورم بالا، یا فشارهای خارجی نظیر تحریم‌ها، ناترازی بانکی تشدید خواهد شد و بانکها با مشکلات جدی‌تری در اعطای وام و مدیریت نقدینگی روبرو خواهند شد. این وضعیت می‌تواند به رکود اقتصادی و کاهش فعالیت‌های تولیدی منجر شود. در سناریوی سوم، اگر اصلاحات اساسی در نظام بانکی، همچون واگذاری بانک‌های شبه‌دولتی به بخش خصوصی و تقویت بازار سرمایه، به‌درستی اجرا گردد، ممکن است وابستگی به بانک مرکزی کاهش یابد و بانکها بتوانند به‌صورت مستقل و کارآمدتری عمل کنند. این اصلاحات می‌تواند منابع مالی بانکها را تقویت کرده و فرآیند وام‌دهی را تسهیل کند که در نهایت موجب رشد اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری خواهد شد.

برای رفع ناترازی بانکها در ایران و بهبود وضعیت نظام بانکی، چندین راهکار پیشنهادی ارائه شده است:

۱. اصلاح ماده ۸ قانون بانکداری بدون ربا: این اصلاح به بانکها این امکان را می‌دهد که به‌جای تبدیل‌شدن به شرکت‌های سرمایه‌گذاری، به‌عنوان واسط میان سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان عمل کنند. این تغییر می‌تواند به افزایش درآمد بانکها از طریق اعطای تسهیلات و کاهش ناترازی کمک کند.

۲. فروش دارایی‌های نامولد و راکد: دارایی‌های نامولد مانند زمین و ساختمان، نقدینگی بانکها را کاهش می‌دهند. پیشنهاد می‌شود این دارایی‌ها از طریق بورس عرضه شوند تا منابع مالی بانکها افزایش یابد و بتوانند به‌راحتی به فعالیت‌های اصلی خود برگردند.

۳. تقویت بازار سرمایه: باتوجه به ناکارآمدی بازار سرمایه در جذب منابع، تقویت این بازار می‌تواند به افزایش تأمین‌مالی پروژه‌ها کمک کند. این امر باعث می‌شود که فشار کمتری بر شبکه بانکی برای تأمین‌مالی بنگاه‌ها وارد شود و به بهبود کلی وضعیت مالی کشور کمک کند.

۴. واگذاری بانک‌های شبه‌دولتی به بخش خصوصی: با واگذاری این بانکها، دولت می‌تواند از دسترسی به منابع بانکی کاهش یابد و ناترازی خود را مدیریت کند. این اقدام به بانکها اجازه می‌دهد که به‌صورت مستقل و با کارایی بیشتری عمل کنند.

استفاده از تجربیات جهانی: کشورهای مختلف تجربیات موفقی در رفع ناترازی‌های بانکی دارند. با بررسی و تطبیق این تجربیات، می‌توان نقشه راهی برای اصلاح نظام بانکی ایران ایجاد کرد که به کاهش ناترازی و افزایش کارایی کمک کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازين اخلاقي

در انجام این پژوهش تمامی موازين و اصول اخلاقي رعایت گردیده است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

فهرست منابع

Extended Abstract

Introduction

In recent years, the imbalance within Iran's banking sector—referred to as “banking disequilibrium”—has become a critical impediment to the financial viability of economic enterprises. This disequilibrium arises from accumulated disparities in banks' balance sheets, driven largely by structural inefficiencies, persistent inflation, rigid interest rate controls, and a lack of adequate oversight (Demirguc-Kunt et al., 2018). Specifically, factors such as unstable deposit behaviors, excessive reliance on non-productive assets, and the inability of banks to maintain optimal reserves have disrupted their core financial intermediary functions (Halim & Saputra, 2022). Another key factor contributing to this imbalance is the mandated interest rate policy, which fails to account for high inflation rates in the country. As a result, financial institutions are forced to issue loans at real negative interest rates, making lending an unprofitable endeavor (Ebadi & Pourzeshki, 2023). Consequently, these institutions often resort to borrowing from the Central Bank, which exacerbates monetary base expansion and fuels inflation.

Digital transformation has also added complexity. While digital banking has the potential to streamline operations, it has disrupted traditional account management systems, requiring a recalibration of reserve management practices to ensure liquidity and transactional precision (Haruna et al., 2022). The inability to adapt quickly has further intensified balance sheet mismatches.

Externally, global financial imbalances have had a compounding effect. The accumulation of U.S. dollar reserves by countries such as China has contributed to distorted capital flows, enabling deficit-prone economies to borrow cheaply (Mayer, 2012). In such a context, Iran's semi-isolated banking environment, burdened by sanctions and limited foreign capital access, faces unique challenges in navigating domestic disequilibrium.

This study investigates the impact of banking disequilibrium on the financial operations of economic enterprises in Iran and proposes strategic policy interventions to address it. Specifically, it examines the direct and indirect consequences of systemic banking weaknesses on firms' access to financing, cost of capital, and growth potential.

Materials and Methods

The methodology employed in this study is descriptive-analytical in nature. The research involved compiling and analyzing recent financial data from various Iranian banks, focusing on key indicators such as capital adequacy ratios, liquidity levels, debt to the central bank, and retained earnings. Furthermore, policy

frameworks, regulatory constraints, and institutional inefficiencies were examined through scenario-based analysis. Three strategic response models—optimistic, pessimistic, and cautious—were developed to explore potential outcomes of proposed reforms, such as legal restructuring, asset liquidation, and capital market enhancement. The data were visualized using graphs and trend analyses spanning two decades, providing insights into both historical and contemporary patterns of disequilibrium.

Findings

The findings reveal substantial financial distress within Iran's banking network. Over 90% of all project financing is currently provided by banks, placing immense strain on their limited liquidity pools. The capital adequacy ratios of many banks fall below the regulatory threshold of 8%, with some institutions reporting negative figures. For instance, Iran Zamin Bank reported a capital adequacy ratio of -21%, while other major banks like Bank Melli and Bank Tejarat barely surpassed 6%. This indicates systemic undercapitalization and exposure to solvency risks.

Debt levels to the Central Bank have soared in recent years, particularly from 1401 onward, surpassing the 20-year average of 1,268,056 billion rials. This trend signifies increasing reliance on central monetary support, resulting in heightened inflationary pressures due to base money expansion.

Additionally, several banks have reported significant retained losses. As of Khordad 1403, Bank Iran Zamin and Bank Shahr recorded accumulated losses of approximately 58.9 and 16.5 billion tomans, respectively. In contrast, banks like Bank Mellat and Bank Pasargad showed positive earnings, reflecting disparities in institutional performance and risk management practices.

The net result of these conditions is an increase in the cost of capital for enterprises. Due to decreased lending capacity and stricter loan eligibility criteria, firms face higher interest rates and limited access to credit. This has constrained business expansion, reduced employment opportunities, and led to stagnation in sectors that depend heavily on bank financing.

Scenario analysis provided further insights:

- In the optimistic scenario—focused on legal reform and role redefinition under Article 8 of the Interest-Free Banking Law—banks return to their intermediary role and increase efficiency.
- The pessimistic scenario—centered around mismanaged asset sales—demonstrates potential liquidity losses and further imbalance.
- The cautious scenario—focused on strengthening capital markets—projects long-term benefits with gradual improvement in financial diversity and risk sharing.

Discussion and Conclusion

The deep-rooted imbalance in Iran's banking sector is the product of structural inefficiencies, policy misalignments, and operational mismanagement. This imbalance manifests in weak capital buffers, high dependency on the central bank, and massive holdings of non-productive assets. Consequently, banks struggle to perform their fundamental role—efficient financial intermediation—which undermines private sector investment and economic growth.

The current monetary environment, marked by high inflation and administratively set interest rates, creates a paradox where banks must lend at rates that do not reflect actual market conditions. This situation discourages lending to productive sectors and incentivizes investment in less risky, often non-productive, assets. At the same time, government-mandated loans further deplete the already constrained resources of banks, pushing them toward central bank financing, which escalates monetary expansion and inflation.

Moreover, the disparity in financial health among different banks—some with significant retained profits and others with deep losses—indicates the absence of standardized performance metrics and consistent regulatory enforcement. This inconsistency undermines investor and depositor confidence and creates systemic vulnerabilities.

The predominance of banks in project financing—accounting for more than 90% of total financing—highlights the lack of alternative financial sources in the Iranian economy. In developed markets, capital markets serve as critical supplements to banking systems. However, Iran’s capital market remains underdeveloped, limiting firms’ access to equity and bond financing. This overreliance on banks not only increases systemic risk but also constrains the country’s economic flexibility.

To address these challenges, several reforms are proposed. First, revising Article 8 of the Interest-Free Banking Law is essential. This reform should limit direct investment activities by banks and restore their intermediary function. Second, banks must liquidate non-productive assets through capital market mechanisms to free up liquidity. Third, enhancing the role of the capital market can reduce dependence on bank financing and introduce a more diversified financial ecosystem.

In addition, privatizing quasi-governmental banks can curb political interference in credit allocation and improve operational autonomy. Lessons from international best practices can guide these reforms. Countries that successfully navigated banking sector imbalances—such as South Korea and Turkey—implemented comprehensive restructuring programs, introduced market-driven lending rates, and strengthened regulatory frameworks.

References

- Abdollahi Poor, M. S., Bet Shikan, & Mohammad Hashim. (2020). Solutions for financial restructuring of banks in Iran. *Asset Management and Financial Supply*, 8(4), 1–20. <https://doi.org/10.22108/amf.2020.119436.1473> (In Persian)
- Adrian, M. T., Abbas, N., Ramirez, M. S., & Dionis, G. F. (2024). The US banking sector since the March 2023 turmoil: Navigating the aftermath. International Monetary Fund. <https://www.imf.org/en/Publications/WP>
- Angori, G., Aristei, D., & Gallo, M. (2019). Determinants of banks’ net interest margin: Evidence from the Euro area during the crisis and post-crisis period. *Sustainability*, 11(14), Article 3785. <https://doi.org/10.3390/su11143785>
- Bu, Y. (2019). Research on the impact of financing liquidity on risk-taking of commercial banks. In *MATEC Web of Conferences* (Vol. 267, p. 04012). EDP Sciences. <https://doi.org/10.1051/mateconf/201926704012>
- Cooray, A., & Schneider, F. (2018). Does corruption throw sand into or grease the wheels of financial sector development? *Public Choice*, 177, 111–133. <https://doi.org/10.1007/s11127-018-0530-0>
- Ebadi, M. H., & Pourzerehki, M. H. (2023). Developments in the monetary and banking system in 2021. Majlis Research Center, Economic Studies Office. (In Persian)
- Fouejieu, A., Ndoye, A., & Sydorenko, T. (2020). Unlocking access to finance for SMEs: A cross-country analysis. International Monetary Fund. <https://doi.org/10.5089/9781513528195.001>
- Halim, N. A., & Saputra, M. P. A. (2022). Estimation of reserve funds for e-banking transactions using operational value-at-risks. *International Journal of Global Operations Research*, 3(1), 31–36. <https://doi.org/10.47194/ijgor.v3i1.140>
- Haruna, W., Aremu, T. A., & Modupe, Y. A. (2022). Defending against cybersecurity threats to the payments and banking system. *arXiv Preprint*, arXiv:2212.12307. <https://doi.org/10.48550/arXiv.2212.12307>
- Mayer, J. (2012). Global rebalancing: Effects on trade and employment. *Journal of Asian Economics*, 23(6), 627–642. <https://doi.org/10.1016/j.asieco.2012.07.002>
- Rakhimov, S. A. (2020). Importance and problems of temporary deposits in commercial banks (on the example of commercial banks in the USA and Uzbekistan). *Theoretical & Applied Science*, (1), 271–276. <https://doi.org/10.15863/TAS.2020.01.81.45>
- Roky, R., Abbott, M., Bashar, O., Ullah, A., & Algarni, F. (2020, December). Computational evaluation of profitability: A case of Australian banks. In *2020 Seventh International Conference on Social Networks Analysis, Management and Security (SNAMS)* (pp. 1–8). IEEE. <https://doi.org/10.1109/SNAMS52053.2020.9336540>
- Shahabi, V., Tahami Pour, S. R., Shahabi, A., & Amiri, M. (2024). Investigating the formation of the phenomenon of disharmony in Iranian banks and providing the solutions to deal with it. *Applied Theories of Economics*, 10(4), 173–204. (In Persian)
- Xu, T., Hu, K., & Das, U. (2019). Bank profitability and financial stability. International Monetary Fund. <https://doi.org/10.5089/9781484397005.001>
- Demirguc-Kunt, A., Klapper, L., Singer, D., Ansar, S., & Hess, J. (2018). *The Global Findex Database 2017: Measuring financial inclusion and the fintech revolution*. World Bank Publications.

- Federal Reserve Board. (2013, April 17). Series of financial and economic discussions – April 17, 2013. <https://www.federalreserve.gov/pubs/feds/2013/201311/index.html>
- Islamic Parliament Research Center of Iran. (2021). The hidden imbalance in Iran's banking network (2014–2017): An analysis of its nature and root causes. Economic Studies Department, Strategic Report. (In Persian)
- National Actions to Help Professional Services Ensure Financial System Integrity. (2024, January 23). Open Government Partnership. <https://www.opengovpartnership.org/documents/national-actions-to-help-professional-services-ensure-financial-system-integrity/>
- Principles for Sound Liquidity Risk Management and Supervision. (2018, January 16). Basel Committee on Banking Supervision, 143–146. <https://doi.org/10.1002/9781119444497.app1>